

مفهوم، مصادیق و خاستگاه حق تولیدمثل و باروری انسان در اسلام و اخلاق و حقوق لیبرال

محمد قائمی^۱، محدثه معینی‌فر^{۲*}

مقاله‌ی مروری

چکیده

حق تولیدمثل و باروری انسان، یکی از حق‌هایی است که در حقوق کشورهای چوون آمریکا و انگلیس مورد توجه واقع شده است. توجه به این حق با توسعه‌ی روش‌های کمک باروری و هم‌چنین روش‌های جلوگیری از بارداری روز به روز رو به افزایش است و نیز جنبه‌های مختلفی یافته است. شاید بتوان ادعا کرد که طرح این مباحث از سوی حقوقدانان مذکور به جهت چالش‌هایی است که ورود روش‌های نوین به عرصه‌ی فرزندآوری به‌وجود آورده‌اند. جدال میان افراد یا افراد و دولت در این موضوع و قوانین مناسب که توانایی کنترل و هدایت فعالیت‌های این عرصه را داشته باشد، همیشه مورد توجه دولت‌ها، قانون‌گذاران ملی و بین‌المللی و ادیان بوده است.

این پژوهش به روش اسنادی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. در نهایت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در حوزه‌ی اخلاق زیستی و حقوق کشورهای غربی همواره از این موضوع با عنوان حق و نه تکلیف و وظیفه یاد می‌شود، در حالی که در ادیان مسیحیت و یهودیت از آن به‌عنوان یک الزام و وظیفه یاد می‌شود، اما اسلام برخلاف این دو دین، اختیار فرزندآوری و عدم آن را به دست زوجین داده است، البته این موضوع تعارضی با تعالیم و آموزه‌های اسلام در توجه به نسل و زادآوری ندارد.

واژگان کلیدی: تولیدمثل، حق، حکم، اسلام، مسیحیت و یهودیت

^۱ استاد، عضو کمیته اخلاق پزشکی پژوهشگاه ابن سینا و مدرس مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)

^۲ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی - دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران

* نشانی: خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، کوچه شهید روانمهر، دانشگاه مذاهب اسلامی، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۶۵۲۵۲

مقدمه

انسان موجودی است که جاودانگی را بسیار دوست دارد. یکی از راه‌هایی که وی را جاودانه می‌کند، فرزندآوری است. به همین جهت است که انسان در طول اعصار هرگز از زادآوری دست برنداشته و با وجود مشکلات و مسائل گوناگون به تداوم نسل خود اندیشیده است و آن را برای خود مهم قلمداد می‌کند. نظریات گوناگونی در توصیف این رفتار بشر در علوم مختلف مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، پزشکی و روان‌شناسی اجتماعی به عرصه آمده است. باروری و زاد و ولد به‌عنوان یکی از جنبه‌های زندگی بشر با توسعه‌ی جوامع انسانی دایماً در فراز و فرود بوده است و عوامل مختلفی مانند باورها و اعتقادات در این فراز و فرود مؤثرند. تعالیم ادیان مختلف درباره‌ی ازدواج و نکوهش یا تشویق آن و همچنین تشویق یا نکوهش زادآوری تأثیرات فراوانی بر اندازه‌ی جمعیت پیروان آن ادیان دارد. بنابراین، بحث تولیدمثل و باروری از موضوعاتی است که همه‌ی ادیان در آن ورود کرده‌اند و شاید بتوان حتی ادعا کرد که با طرح تکنولوژی‌های نوین کمک باروری، ورود ادیان در این عرصه بسیار پر رنگ‌تر از گذشته شده است. به هر صورت، ظهور تکنولوژی‌های کمک‌باروری در حال حاضر موجب طرح دیدگاه‌هایی جدید در این حوزه هم در حقوق و هم در ادیان مختلف شده است. یکی از این مباحث بحث ماهیت تولیدمثل و باروری انسان یا به‌عبارت دیگر حق یا حکم بودن آن است که به تفصیل در صفحات بعدی از آن بحث می‌شود.

مفهوم و پیشینه‌ی حق تولیدمثل در اخلاق و حقوق لیبرال

در اخلاق لیبرالی حق تولیدمثل با هر روشی از حقوق افراد است و هر کس می‌تواند از این حق برخوردار شود؛ یعنی دولت و نهادها نباید در امور شخصی شهروندان خود دخالت کنند و سنت‌های اجتماعی نیز نباید مانع اعمال آزادی‌های فردی شوند (۱). بنابراین، حق آزادی تولیدمثل،

اساساً تحت حمایت حق‌های حریم خصوصی^۱ و آزادی^۲ است.

حق مذکور نوعی از آزادی است که بر اساس خواست والدین، درباره‌ی زمان و چگونگی فرزندآوری تصمیم گرفته می‌شود، زیرا والدین شرایط خود را بهتر می‌دانند و در نهایت، این والدین هستند که باید با کودکان خود زندگی کنند و خود را فدای آنان کنند. حق تولیدمثل نباید قربانی اصلاح نارسایی‌های اجتماعی شود. اجبار والدین به تربیت و بزرگ کردن فرزندان توسط دولت نوعی توتالیتریسم یا دیکتاتوری است (۲).

هم‌چنین، این حق از جمله حقوقی است که هم مثبت است و هم منفی. مثبت است چون این حق به زنان و مردان عقیم کمک می‌کند تا با استفاده از تکنولوژی‌های کمک باروری صاحب فرزند شوند. منفی است چون ممکن است که به آزادی و حریم خصوصی مردم آسیب بزند و در حق فرزندآوری آنان دخالت کند (۳، ۴).

با مروری بر متون نگارش یافته درباره‌ی حق مذکور می‌توان دریافت که حق آزادی تولیدمثل به‌عنوان «یکی از انواع حقوق بشر مورد ادعا و ثمره‌ی دوران پس از جنگ جهانی دوم» (۵)، برای اولین بار توسط فیلسوف آمریکایی و نظریه‌پرداز حقوقی Roland Dowrkin مطرح شد. وی این حق را چنین تعریف می‌کند: «حقی است برای کنترل نقش خود در تولیدمثل، مگر این‌که دولت دلیل مناسبی برای ممانعت از اعمال این حق ارائه کند».

این حق در آمریکا در سال ۱۹۹۲ توسط دادگاه عالی به رسمیت شناخته شد. اولین تصمیم این دادگاه که به‌صورت بخش اصلاحی بیرون آمد، درباره‌ی مذهب بود. طبق این بند اصلاحی دولت نباید یک مذهب خاص را به‌عنوان مذهب

¹ Right to privacy

² Right to liberty

مختلفی برای پاسخ‌گویی به نیاز تولیدمثل به وجود آمد. اما با این وجود، محدودیت‌ها، ضوابط و حدود این حق مشخص نیست. محدوده‌ی این حق ادعایی از حق خواستن یا نخواستن فرزند مشروع آغاز و به حق داشتن فرزند به هر روشی رسید و سپس به حق انتخاب جنسیت جنین خاتمه یافت (۵).

مفهوم و پیشینه‌ی حق تولیدمثل در اسلام

با جست‌وجو در متون فقهی امامیه و اهل سنت می‌توان ادعا کرد که استیلاذ بهترین واژه برای تطبیق است. در اصطلاح فقهای امامیه استیلاذ دارای دو معناست. نخست، به معنای قابلیت احبال که در مقابل عقم است و در این اطلاق هم برای کنیز و هم برای زن آزاد و هم برای زن و هم برای مرد استفاده می‌شود. دوم، به معنای احبال و زادآوری فعلی و مخصوص کنیز است.

پس منظور از استیلاذ به معنای نخست، قابلیت هر یک از زوجین در تولیدمثل و فرزندآوری است. از فقهای امامیه در گذشته چند تن به این حق اشاره‌ی مستقیم و مصرح داشته‌اند. شهید ثانی و صاحب جواهر در ذیل ادله‌ی حرمت عزل به حق استیلاذ اشاره می‌کنند (۹، ۸). هم‌چنین، برخی از فقهای زیدیه بلافاصله پس از اظهار به حق جنسی زوجه، حق تولیدمثل را برای او ثابت می‌دانند (۱۲-۱۰).

استیلاذ در نزد فقهای اهل سنت دارای دو معنای عام و خاص است. نخست، در معنای عام به معنای طلب فرزند و دوم، در معنای خاص به معنای طلب فرزند از کنیز است که در باب خاص خود به همین نام در کتب معتبر اهل سنت مورد توجه واقع شده است (۱۳). البته در معجم لغت فقها معنای سوم هم علاوه بر معنای عام و خاص لحاظ شده و آن «تلقیح مصنوعی در حیوانات» است (۱۴).

اما فقهای متقدم اهل سنت بیش‌تر تمرکز خود را در بحث استیلاذ به معنای دوم صرف کرده‌اند. بنابراین، با این عنوان مطلبی در کتب آنان یافت نشد. اما برخی از فقهای متقدم اهل سنت از حق تولیدمثل تعبیر به «حق فی الولد» در باب‌های

رسمی کشور انتخاب کند و در عین حال تضمین کند که هر شهروند مذهب خود را داشته باشد. چهاردهمین بند این اصلاحات مربوط به حق تولیدمثل است که با بند اول هماهنگی کامل دارد. این قوانین از حق تولیدمثل حمایت می‌کنند. آزادی مذهبی از این نوع از آزادی حمایت می‌کند و فرد می‌تواند روش زندگی خود را بر اساس عقایدش انتخاب کند (۶).

علاوه بر این، دادگاه عالی آمریکا، روابط آزاد، تشکیل خانواده و تصمیمات درباره‌ی فرزندآوری را که با حق آزادی در ارتباط مستقیم است، مورد حمایت قانونی قرار داده است. در ابتدا این قوانین از حق زوجین معقوده در عقد ازدواج برای تولیدمثل و تصمیمات پیرامون آن حمایت می‌کرد، اما بعدها این قوانین بر حمایت از حقوق افراد مجرد نیز تأکید کرد. دادگاه عالی آمریکا بیان می‌دارد: «اگر حق حریم خصوصی به معنای ورود آن به همه‌ی حوزه‌هاست، صحیح آن است که این حق برای افراد چه متأهل و چه مجرد شناسایی شود تا آن‌ها بتوانند بدون دخالت دولت درباره‌ی فرزندآوری طبیعی یا فرزندخواندگی تصمیم بگیرند. دادگاه فدرال نیز این حق را برای زوجین نابارور شناسایی کرده است تا بتوانند از انواع روش‌های کمک‌باروری بهره ببرند. حق آزادی تولیدمثل از بهره‌مندی افراد متأهل یا مجرد از روش‌های جلوگیری از بارداری، اسقاط جنین و شبیه‌سازی برای فرزندآوری نیز حمایت می‌کند (۷).

دامنه‌ی این حق در قوانین آمریکا بسیار گسترده است، به گونه‌ای که با تأیید و پذیرش انواع روش‌های کمک‌باروری، به رسمیت شناخته شد و با مجموعه‌ای از تصمیمات دادگاه‌ها در تأیید روش‌های جلوگیری از بارداری و سقط عمدی جنین تقویت شد. با انجام اولین عمل *In Vitro Fertilization* (IVF) در سال ۱۹۷۸ و گسترده شدن پدیده‌ی اجاره‌ی رحم در دهه‌ی ۱۹۸۰ و با پیشرفت سایر تکنولوژی‌های کمک‌باروری در طول سه دهه، تکنیک‌ها و روش‌های

ج- مصادیق بیرونی حق تولیدمثل

در بحث حق داشتن فرزند، Robertson علاوه بر موارد فوق‌الذکر به جز سه مورد حمایت اقتصادی، مراقبت‌های والدینی و سلامت مادر، استفاده از ظرفیت‌های تولیدمثل افراد با هدفی غیر از زاد و ولد را نیز در این حوزه مطرح کرده است (جدول شماره ۱) (۲۱).

هم‌چنین، برخی در بحث جنبه‌ی مثبت حق تولیدمثل گام را فراتر گذاشته و انتخاب طرف مقابل اعم از زوج یا زوج، شریک جنسی و هم‌زیست را نیز جزو حق تولیدمثل مطرح کرده‌اند^۱. علاوه بر این، در بحث کیفیت فرزندآوری درباره‌ی زمان، تعداد فرزندان، فاصله‌گذاری موالید و کیفیت فرزندان بحث می‌شود.

محتوا، دامنه و مصادیق بیرونی حق تولیدمثل و باروری

در اسلام

الف- محتوا و دامنه‌ی حق تولیدمثل و باروری انسان

منشأ حق‌ها از نظر دین اسلام خداوند و تشریح اوست؛ بنابراین، برای تعیین مصادیق حق تولیدمثل نیز باید به منابع دینی رجوع شود، زیرا ممکن است که برخی از موضوعات از مصادیق عرفی یک مسأله باشند، اما از مصادیق شرعی آن نباشند. در بحث مصادیق لازم به ذکر است که هر دو جنبه‌ی ایجابی و سلبی حق تولیدمثل در اسلام لحاظ شده و نصوص قرآنی و روایی بسیاری درباره‌ی آن‌ها آمده است که به خوبی موضع شارع را درباره‌ی آن‌ها تعیین می‌کند. اشاره به احکامی (اعم از مستحب، مکروه، حرام و واجب) درباره‌ی ازدواج، انتخاب همسر، دستورات مربوط به آمیزش جنسی و طلب فرزند به واسطه‌ی آن، تعیین حقوق برای جنین و کودک، احکام اسقاط جنین و روش‌های جلوگیری از بارداری اعم از طبیعی (عزل) و غیر طبیعی و هم‌چنین، حکم روش‌های کمک

^۱ چون در بحث بیماری‌های ارثی یا پرورش کودکان یا سایر ظرفیت‌های باروری طرف مقابل (اعم از زوج، زوج، شریک جنسی و...) این موضوع دارای اهمیت است.

استیلا و عزل کرده‌اند و در عبارات گوناگون آن را برای زوجه و زوج و حتی کنیز به‌کار برده‌اند که نشان می‌دهد از نظر فقهای حنبلی و حنفی وجود چنین حقی برای زوجین متصور است (۱۷-۱۵). اما به‌نظر می‌رسد که از نظر فقهای شافعی این حق فقط برای زوج ثابت است (۱۸).

محتوا، دامنه و مصادیق بیرونی حق تولیدمثل و باروری

در حقوق و اخلاق لیبرال

در این حوزه از مباحث، نظرات درباره‌ی محتوا و دامنه‌ی حق تولیدمثل و باروری انسان، رابطه میان جنبه‌های مختلف این حق و مصادیق بیرونی آن مطرح می‌شود.

الف- محتوا و دامنه حق تولیدمثل و باروری انسان

نظرات مختلفی در این‌باره ارائه شده است. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، این حق دارای جنبه‌های مثبت و منفی (سلبی و ایجابی) است، اما در این‌که محتوای این حق شامل کدام یک می‌شود یا شامل هر دو میان حقوقدانان اختلاف است.

عده‌ای معتقدند که این حق شامل حق داشتن فرزند، حق نداشتن فرزند و حق داشتن فرزند با ویژگی‌های خاص می‌شود (۱۹). این در حالی است که عده‌ای دیگر معتقدند که حق تولیدمثل تنها شامل دو مورد نخست است (۲۰). در تعیین مصادیق و محتوای حق تولیدمثل از نظر این حقوقدانان ملاک روشنی وجود ندارد و شاید فقط با توجه به ابعاد منفی و مثبت آن این تقسیم را ارائه کرده‌اند. البته غیر از این دو نظر هم شاید نتوان نظر دیگری ارائه داد.

ب- رابطه‌ی میان دو جنبه‌ی سلبی و ایجابی حق

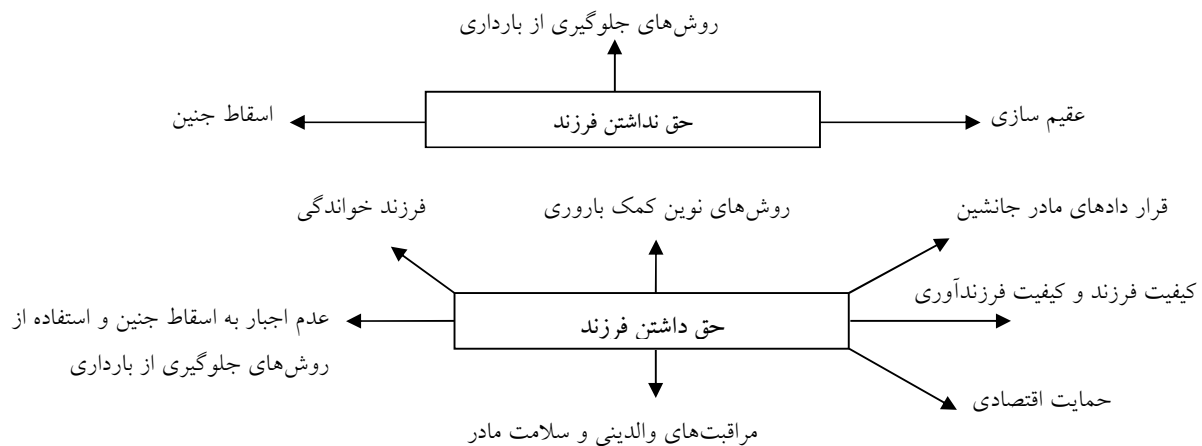
تولیدمثل

پس از طرح این نظریات باید دانست که در رابطه‌ی میان این دو جنبه نیز نظراتی مطرح است. برخی میان این دو جنبه ارتباط برقرار کرده، در حالی که عده‌ای دیگر معتقدند نباید میان این دو تناسب اخلاقی، سیاسی یا عقلانی برقرار کرد (۱۹).

چارچوب شرع باشد، بلکه استیفای آن نیز محدود به همین قید است؛ این بدان معناست هیچ کسی نمی‌تواند به استناد استحقاق حقی از آن سوء استفاده کند.

باروری خود دلیلی بر آن است که اسلام به هر دو جنبه‌ی حق مذکور نظر دارد و سعی در اداره و مدیریت آن برای مصلحت بندگان خدا دارد. هم‌چنین، نه تنها در اسلام مصادیق باید در

شکل شماره ۱- مصادیق بیرونی حق تولیدمثل



نظریات درباره‌ی خاستگاه حق تولیدمثل و باروری

انسان

آنچه از متون حقوقی در کشورهای غربی بر می‌آید اصولاً دو نوع حق یعنی حق‌ها با منشأ قانونی^۱ و حق‌ها با منشأ غیر از قانون^۲ وجود دارد که حق‌های نوع دوم به سه دسته‌ی اخلاقی^۳، اساسی^۴ و عرفی^۵ تقسیم می‌شوند (۲۲).

۱- حق قانونی: حقی است که قوانین موضوعه به انسان‌ها اعطا می‌کنند. از این رو، قانون چنین حق‌هایی را به رسمیت می‌شناسد و صیانت از آن‌ها را به عهده می‌گیرد (۲۳).

۲- حق اخلاقی: در زمینه‌ی حق اخلاقی دو نظر اساسی وجود دارد:

ب- رابطه‌ی میان دو جنبه‌ی سلبی و ایجابی حق

تولیدمثل

در بررسی احکام و قواعد اسلامی به راحتی می‌توان دریافت که این دو جنبه در ارتباط با هم هستند، به گونه‌ای که اگر اختیار و توانایی فرد در تصمیم‌گیری در یکی از جنبه‌های آن ثابت شود، به‌طور حتم این اختیار، جنبه‌ی دیگر را هم در بر می‌گیرد.

ج- مصادیق بیرونی حق تولیدمثل

در شرع اسلام، مصادیق مجاز در استیفای حق تولیدمثل شامل مواردی چون زاد و ولد از طریق ازدواج و نه غیر آن، زاد و ولد از طریق روش‌های کمک‌باروری با لحاظ شرایط شرعی (اعم از لمس و نظر و هم‌چنین عدم ورود شخص ثالث به آن)، استفاده از روش‌های جلوگیری از بارداری در صورت وقوع حرج یا ضرر، اسقاط جنین در صورت به خطر افتادن مادر و مواردی مثل این است.

¹ Legal rights

² Non-legal rights

³ Moral rights

⁴ Institutional rights

⁵ Custom-based rights

تشخص می‌یابد (۲۵). این حقوق در واقع همان حقوقی است که در اصل بیستم قانون اساسی با عنوان «حقوق انسانی» در کنار سایر حقوق اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آورده شده است.

۴- حق عرفی یا اجتماعی: حقوقی که ضمانت اجرای آن آداب و رسوم و سنن اجتماعی است، به گونه‌ای که نقض و زیر پا گذاشتن آن‌ها موجب اعتراض غالب مردم می‌شود (۲۶).

بنابر آنچه در مطالب فوق اشاره شد، نظرات مختلفی درباره‌ی خاستگاه حق تولیدمثل و باروری انسان وجود خواهد داشت:

نخست، عده‌ای آن را صرفاً حق اخلاقی می‌دانند (۱۹). ادله‌ی ایشان به قرار ذیل است:

الف- پایه‌ی ابتدایی و اخلاقی آزادی تولیدمثل، فرد یا استقلال فردی است. منافع فردی در استقلال، منفعت افراد در تصمیم‌گیری درباره‌ی زندگی بر اساس ارزش‌ها و مفهوم زندگی خوب و بدون مداخله‌ی دیگران و آزادی در بازمینی و اصلاح برنامه‌ی زندگی خویش بر اساس مفهوم خیر در طول زمان است. اهمیت اخلاقی استقلال در تصمیم‌گیری‌ها درباره‌ی زندگی یک فرد می‌تواند حداقل بر اساس دو عامل متفاوت باشد. عامل نخست، میزان اهمیت تأثیر تصمیم‌گیری‌های خاص بر زندگی فرد است، زیرا تصمیم درباره‌ی زاد و ولد یا عدم آن دارای تأثیر زیادی بر زندگی مردم است. بنابراین، منافع ناشی از استقلال آن‌ها در تصمیم‌گیری نوعاً بزرگ است. تصمیم‌گیری درباره‌ی تعداد فرزندان و کیفیت آن‌ها از نظر اهمیت برای افراد و در زمان‌های مختلف، متفاوت است. دومین عامل، ارزیابی اخلاقی منافع، استقلال افراد بر اساس ظرفیت‌های آنان در تصمیم‌گیری مستقل است. همین عامل علت تصمیم‌گیری مستقل فرزندان پس از بلوغ و تصمیم‌گیری والدین برای کودکان پیش از بلوغ است. بنابراین، در هنگامی که تصمیم‌گیری افراد فقط بر خود آن‌ها تأثیرگذار

نخست، برخی معتقدند حق اخلاقی وجود ندارد. البته این گروه دارای مراتبی هستند. برخی صراحتاً منکر وجود چنین حقی هستند و برخی دیگر، آن را امری زاید می‌دانند و برخی دیگر حق اخلاقی را به حق قانونی ارجاع می‌دهند.

دوم، گروهی نیز حق اخلاقی را پذیرفته‌اند و به دو ویژگی سلبی و اثباتی آن اشاره کرده‌اند:

- ویژگی سلبی: حق اخلاقی حقی است که بر آمده از قانون نیست، بلکه مستقل از آن‌هاست. حق اخلاقی حاکم بر قانون است و ضمانت اجرای قانونی ندارد.
- ویژگی اثباتی: حق اخلاقی حقی است که به واقع درست، دارای مبنا، مورد تأیید ملاحظات اخلاقی و نظام اخلاقی و دینی خاص است و گستره‌ی آن از حق‌های قانونی بیش‌تر است. حق اخلاقی قدرت عمل بر اساس قانون طبیعی است.

برخی گفته‌اند بر خلاف حق‌های قانونی که بر آمده از قانونی حکومتی هستند، حق‌های اخلاقی، مستقل و مقدم بر حکومت (و در نتیجه مقدم بر قانون) هستند و حکومت هم به رعایت آن حق‌ها ملزم است. نیز بر اساس آن قانون، محدودیت‌هایی برای حکومت ایجاد می‌شود (۲۳).

برخی دیگر حق اخلاقی را حقی مستقل از قانون می‌دانند که وجودش بر مبنا و واقعیت مبتنی است، نه بر تأیید یا فشار اجتماعی (۲۳). اما برخی دیگر معتقدند که برخلاف حق‌های قانونی، حق‌هایی وجود دارند که پایه‌ی قانونی ندارند و تنها ادعاهای اخلاقی هستند (۲۳). برخی دیگر حق اخلاقی را حقی می‌دانند که واکنش درباره‌ی رعایت نشدن آن‌ها به صورت سلامت وجدان یا نکوهش و سرزنش مردم در می‌آید و قانون از آن حمایت نمی‌کند (۲۴).

۳- حق اساسی: اساسی‌ترین حقوقی است که از موقعیت صرف انسان بودن سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، انسان حق دارد از حقوق بشر برخوردار باشد. این حق در وهله‌ی نخست در برخورداری از حقوق و هویت شهروندی

می‌دهند (۲۰).

اما به نظر می‌رسد برای رسیدن به دیدگاه درست، باید میان دو واژه‌ی «Reproductive Rights» و «Reproductive liberty» فرق گذاشت. واژه‌ی نخست می‌تواند حق قانونی باشد، در حالی که دومی در زمره‌ی حقوق اجتماعی و سیاسی است که در جامعه‌ی آمریکا جنبه‌ی قانونی نیز یافته است و همان‌طور که پیش از این گفته شد، بدان در ذیل حق آزادی مذهبی مورد نظر در متمم قانون اساسی آمریکا اشاره شده است. «Reproductive freedom» از هر دو مورد فوق عام‌تر است و شامل هر دو می‌شود.

۵- حق دینی: می‌توان علاوه بر دو منبع پیش‌گفته، دین را نیز به‌عنوان یکی از منابع حق‌ها دانست. البته درباره‌ی این حق نیز دو نظر مطرح است که عده‌ای حق‌های دینی را اعم از حق‌های اخلاقی می‌دانند و عده‌ای نیز آن‌ها را از هم جدا می‌پندارند (۲۳).

در این‌که تولیدمثل و باروری در تعالیم ادیان جایگاه ویژه‌ای دارد، شکی نیست، زیرا از منظر تمامی ادیان الهی تولید نسل و افزایش آن بسیار مورد توجه بوده است، اما نکته‌ی اساسی این است که آیا آن در زمره‌ی حق‌هاست یا حکم‌ها. در این بخش، به‌نظرگاه سه دین الهی اسلام، مسیحیت و یهودیت در این زمینه اشاره می‌شود، زیرا دین در معنای اعم خود شامل اسلام، مسیحیت و یهودیت است. بنابراین، باید دید که کدام یک از ادیان فوق می‌تواند به‌عنوان منشأ حق تولیدمثل مطرح شود.

۱- دین اسلام

با توجه به دستورات مؤکد اسلامی در باب ازدواج و فرزندآوری می‌توان دریافت که زاد و ولد از اهمیت فوق‌العاده‌ای در اسلام برخوردار است، اما همان‌طور که از سخنان فقهای امامیه و اهل سنت پیداست، تولیدمثل و باروری در زمره‌ی حق‌هاست و مستند آن آیه‌ی ۲۲۳ سوره‌ی بقره و روایات مربوط به عزل است که در بیش‌تر روایات صحیح،

است، ادعای افراد نسبت به استقلال با ارزش است، اما هنگامی که تصمیم آنان نسبت به دیگران نیز مؤثر است، این استقلال به جهت منافع آن افراد محدود می‌شود، مانند تأثیر تصمیم‌گیری والدین بر کودکانشان.

ب- دومین اصل اخلاقی در موجه‌سازی آزادی تولیدمثل خیر فردی^۱ است. درباره‌ی نظریه‌ی خیر فردی اختلافات زیادی وجود دارد که به سه گروه نظریه تقسیم می‌شود. نظریه‌های تجربه‌ی هوشیار^۲، مفهوم خیر را به‌عنوان بخشی از تجربه‌ی مثبت هوشیار مانند خوشی و لذت^۳ یا شادی بزرگ‌تر^۴ و هم‌چنین، ممانعت از تجربه‌های هوشیار منفی مانند درد^۵ یا رنج^۶ معرفی می‌کند. نظریه‌های ترجیح^۷، خیر را رضایت آگاهانه‌ی افراد در تمایلات، انتخاب‌ها و ترجیحات می‌داند. هم‌چنین، نظریه‌های لیست عینی^۸ (به این نام نامیده شده است) خیر را تا حدی با واسطه‌ی لیستی از ویژگی‌های خیر عینی زندگی انسان تعریف می‌کند. بنابراین، از این منظر هنگامی که یک فرد تصمیم به زادآوری می‌گیرد، باید با توجه به مفاهیم سه‌گانه‌ی فوق از خیر، از تصمیم وی حمایت کرد.

ج- سومین اصل اخلاقی برای موجه‌سازی آزادی تولیدمثل که نسبت به دو مورد دیگر عمومیت کم‌تری دارد، برابری است به‌ویژه برابری فرصت‌ها و انتظارات میان دو جنس (زن و مرد). در بیش‌تر جوامع زنان بیش‌ترین بار زاد و ولد و پرورش کودکان را به عهده دارند. بنابراین، حق تولیدمثل برای زنان می‌تواند بسیار مهم باشد، زیرا حق مذکور می‌تواند به آنان برای سبک کردن بار خود در این زمینه کمک برساند (۲۰).

دوم، عده‌ای نیز آن را در زمره‌ی هر دو نوع حق قرار

¹ Well-being/Good

² Conscious experience

³ Pleasure

⁴ Happiness

⁵ Pain

⁶ Suffering

⁷ Preference Theories

⁸ Objective List Theories

عزل جایز است و بیش‌تر فقها نیز این نظر را دارند (۲۷). پس در اسلام تکلیفی از این باب برعهده‌ی مسلمانان گذاشته نشده است. اما با بررسی دستورات دین یهود و به تبع آن دین مسیحیت فهمیده می‌شود که زادآوری در تعالیم آن‌ها جنبه‌ی تکلیفی و الزامی دارد؛ یعنی بیش از آن‌که حق زوجین باشد، حکمی است الزامی برعهده‌ی آنان.

۲- دین مسیحیت

از آن‌جاکه در مسیحیت سه فرقه‌ی مطرح وجود دارد، برای دست یافتن به دیدگاه دقیق این دین، دیدگاه سه فرقه‌ی ارتدوکس، پروتستان و کاتولیک بررسی می‌شود:

الف- آیین ارتدوکس

یکی از مسائل محوری در تعالیم ارتدوکس، جنبه‌ی مذهبی و مقدس ازدواج، تولیدمثل و پرورش و بزرگ کردن فرزندان است. تقدس ازدواج و خانواده، چارچوب اصلی برای تولیدمثل و تربیت فرزند محسوب می‌شود (۲۸، ۲۹).

ب- آیین پروتستان

پروتستان‌ها دارای شعب مختلفی هستند که تعالیم آنان را در حیطه‌ی زاد و ولد به ترتیب در فرقه‌های ایوانجلیک‌های محافظه‌کار^۱، شاخه اصلی پروتستان^۲، پروتستان‌های لیبرال^۳، انگلیکن‌های استرالیا^۴ و کلیسای لوتری- شورای کلیسای میسوری^۵ پرداخته می‌شود:

- فرقه‌ی ایوانجلیک یا انجیلی‌های محافظه‌کار

علمای این فرقه رابطه‌ی ذاتی میان ازدواج و رابطه‌ی والدینی را که در سفر آفرینش به آن اشاره شده است، مورد تأکید قرار می‌دهند. هم‌چنین، آنان معتقدند که چارچوب ازدواج که در آن روابط عاطفی میان زوجین برقرار است، ایده-آل‌ترین چارچوب برای تولیدمثل و تربیت کودکان است (۳۰).

¹ Conservative Evangelical

² Mainline

³ Liberal

⁴ Australian Anglicans

⁵ Lutheran Church- Missouri Synod

- شاخه‌ی اصلی پروتستان

در عصر پروتستانسم، ارج‌گذاری مجدد ازدواج جایگزین اولویت بی‌همسری قرون وسطا شد؛ تقدم زندگی روزمره‌ی خانواده جایگزین اولویت انتخاب کشیشی شد؛ تقدم آرمان همسر و مادر بودن جایگزین آرمان راهبگی شد و تأیید تمایلات جنسی به‌عنوان سائق طبیعی بشر (که باید نیاز به ازدواج ارضا شود، حتی اگر موجب تولیدمثل نباشد) جایگزین بدگویی از این تمایلات شد (۳۱). گرتاشارفورت، الهی‌دان پروتستان، موضع لوتر را این‌گونه توصیف می‌کند:

- زن و مرد به‌عنوان مخلوقات خدا، با یکدیگر به صورت خدا آفریده شده‌اند؛ جسمانیت و تمایلات جنسی در اختیار آنان نیست، آن‌ها موهبت الهی هستند و همان‌گونه نیز باید مورد احترام قرار گیرند.
- «مسئولیت مشترک زن و مرد» پیروی از وظیفه‌ای است که خدا در خلقت تعیین کرده است: «برای خلقت»، «برای هماهنگی تمام حیطه‌ها و برای فراهم آوردن شرایط در خور زیست نسل آینده». آن‌ها این وظایف را عمدتاً در مقام پدر یا مادر بودن انجام می‌دهند که این مقام بر تمام موقعیت‌های معنوی و دنیوی ارجحیت دارد (۳۱).

- فرقه‌ی پروتستان لیبرال

درباره‌ی دیدگاه این فرقه در مورد تولیدمثل مطلب چندانی موجود نیست. اما همین مقدار بس که این فرقه به خلاف سایر فرق مسیحی از روش‌های نوین کمک‌باروری حمایت می‌کند و این امر دقیقاً به‌معنای این است که دیدگاه سایر فرق را درباره‌ی باروری و ارتباط آن با ازدواج قبول ندارد (۳۲).

- انگلیکن‌های استرالیا

در سفر آفرینش آمده است که انسان باید به امر واجب زادآوری اقدام کند. اما از سوی دیگر، در تفاسیر تورات به کرات به مواردی اشاره شده است که افراد فاقد توانایی

تولیدمثلی و وحدت روابط جنسی را به همراه دارد که مظهر ذاتی و درونی رابطه‌ی نسبی است. از سوی دیگر، قانون طبیعی مبین وظایفی برای هر دو مرحله‌ی تولیدمثل و آموزش و پرورش کودک است و این تربیت والدینی مستلزم توانایی رشدی کودک به لحاظ اخلاقی و روانی و مفروض دانستن تعهدات درونی است (۳۵). این نظریه که از آن با عنوان «ارتباط مقدس بین رابطه‌ی جنسی و تولیدمثل» نیز یاد می‌کنند، بیانگر این مطلب است که حتماً فرزند آدمی باید نتیجه‌ی برقراری رابطه‌ی زناشویی در چارچوب خانواده باشد. به همین جهت، کلیسای کاتولیک با تکنیک‌های باروری مصنوعی حتی شبیه‌سازی هم مخالف است و تکنیک‌های باروری مصنوعی را مختل‌کننده‌ی این عمل مقدس و نشانه‌ی زنده‌ی خدا می‌دانند (۳۶). از این دیدگاه، اساساً اتحادی ذاتی میان زندگی، رابطه‌ی جنسی و زاد و ولد وجود دارد. جهت‌گیری روابط جنسی انسان به سمت تولید نسل، اضافه‌ای بیولوژیک و زیستی نیست، اما با ذات و طبیعت انسان مطابق است و در تمایل طبیعی بشر برای زاد و ولد نمایش داده می‌شود (۳۷).

۳- دین یهود

دین یهود نظامی تکلیف‌مدار است نه حقوق‌مدار؛ بنابراین، بیش‌تر احکام این دین ناظر به وظایفی است که یک یهودی باید به انجام برساند و بحثی از حقوق افراد در این دین مطرح نیست^۱. یکی از آموزه‌های تورات این است که زن و مرد از یک ریشه وجود یافتند و سپس خداوند پس از آفرینش آنها را جدا کرد. پس زن و مرد با هم ازدواج کردند و با هم منشأ اساسی برای ایجاد یک کودک را به‌وجود آوردند. بنابراین اعتقاد، خداوند جهان را این‌گونه آفرید که مرد و زن با هم متحد شوند و دستور فرزندآوری (سفر آفرینش ۱:۲۸) را انجام دهند تا زندگی جدیدی را با هم به وجود آورند (۳۹، ۳۸).

فرزندآوری بوده‌اند، مانند ساره و ابراهیم (ع)، اسحاق و ربه‌کا و... اما به خواست خداوند صاحب فرزند شده‌اند. این امر نشان‌دهنده‌ی خواست خداوند در این باره است. علاوه بر این، این گروه داشتن فرزند بیولوژیک (از نظر ژنتیکی شبیه به پدر و مادر) را حقی برای افراد تلقی نمی‌کنند. از نظر این عده افراد هیچ ادعایی درباره‌ی فرزندآوری نباید داشته باشند و از دیدگاه کتاب مقدس، فرزندان هدیه‌ی خداوند هستند (۳۳).

- کلیسای لوتری - شورای کلیسای میسوری
با توجه به اهداف خداوند در ازدواج و والد شدن، می‌توان فهمید که چرا مسیحیان هرگز اجازه ندارند رابطه‌ی جنسی را در خارج از چارچوب خانواده پاسخ گویند. این روابط نامشروع در واقع «نه گفتن» به مقاصد خداوند در ازدواج است که می‌خواهد زن و مرد از این هدیه‌ی الهی لذت ببرند. از سوی دیگر، همیشه در ازدواج این احتمال وجود دارد که زوجین نسبت به هم ظلمی را روا دارند، همان‌طور که ممکن است خارج از چارچوب خانواده چنین باشد. اما خلقت اساسی خداوند و پیمان او مبنی بر هدایت انسان، بر این امر تأکید دارد که زوجین باید در پیچه‌ای از عشق و دوستی را به‌سوی نفر سومی (فرزند) هم بگشایند و بر این اساس، فرزندان میوه‌ی روابط جنسی زوجین هستند. از این طریق است که زوجین یاد می‌گیرند از خودخواهی دست بردارند. در گزارش کمیته‌ی کلیسای مذکور در ۱۹۸۱ درباره‌ی روابط جنسی انسان‌ها با عنوان «دیدگاه‌های مذهبی» آمده است: «در کتاب مقدس دستور به زادآوری آمده است و از این دستور چنین برداشت می‌شود که زندگی خانوادگی نباید داوطلبانه بدون فرزند سپری شود، اما در صورت فقدان دیدگاه‌ها در کتاب مقدس، جلوگیری از بارداری در موارد بدون نص اشکالی ندارد.» (۳۴).

ج- آیین کاتولیک

از دیدگاه متفکران کاتولیک غایت ازدواج برآیندهای

^۱ این در حالی است که در نظام حقوقی اسلام همیشه سخن از حقوق و وظایف متقابل افراد در میان است.

علاوه بر این، دین یهود، تمام فناوری‌های کمکی تولدمثل را به شرط استفاده در درمان ناباروری و انجام تکلیف زاد و ولد در تورات، واجب (میصوا) شمرده است (۴۳). البته لازم به ذکر است که نظام حقوقی یهود، فرزندآوری و زاد و ولد را فقط برای مردان واجب کرده و چنین وظیفه‌ای را بر عهده‌ی زنان نگذاشته است. البته نظام مذکور، در تمام شرایط، زنان را به‌عنوان شریک ضروری در انجام این تکلیف شناسایی کرده است؛ اما به ادله‌ی فراوانی، این تکلیف را به عهده‌ی زنان نگذاشته است (۴۱).

نتیجه‌گیری

تولدمثل و باروری از جمله امور مهمی است که با ورود تکنولوژی‌های نوین در عرصه‌ی فرزندآوری یا عدم آن جنبه‌های جدیدی به خود گرفته است. یکی از این جنبه‌ها انتخاب و تصمیم‌گیری آزادانه برای افراد نابارور در فرزندآوری به وسیله روش‌های نوین کمک‌باروری و همچنین برای افراد بارور در عدم فرزندآوری به روش‌های جدید جلوگیری از بارداری و البته مؤثرتر است. این موضوعات سبب طرح موضوعی با عنوان حق تولدمثل و باروری در حقوق و اخلاق زیستی شده است. از این منظر، حق تولدمثل نوعی از آزادی است که فرد می‌تواند به هر روشی صاحب فرزند شود یا آن‌که از داشتن فرزند خودداری کند. همچنین، از بررسی متون مختلف مربوط به ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت به دست می‌آید که مسیحیت و یهودیت بر خلاف اسلام به این موضوع به‌عنوان یک وظیفه و الزام برای پیروان خویش می‌نگرند؛ در حالی که اسلام با آن‌که تشویق به زادآوری می‌کند و به کمیت و کیفیت نسل‌های بعدی مسلمانان نظر دارد، اما تصمیم‌گیری در این باره را به عهده‌ی پیروانش گذارده است. اسلام در این مسیر رهنمودهایی دارد که آینده‌ی نسل مسلمان را تضمین می‌کند که مهم‌ترین آن ذات قدوس متبارک هرچه را که در نظرش نیک است، انجام خواهد داد (براخوت، ۱۰ الف).

علاوه بر این، در تورات در ذیل احکام ۶۱۳ گانه‌اش آمده است نسل بشر را با ازدواج بر اساس شریعت تداوم ببخشید (تثنیه، ۲۴:۱) (۴۰). برای نمونه، منابع حقوقی یهود، داشتن فرزندان بسیار را مستحب (میصوا قیومی) می‌دانند و داشتن حداقل یک فرزند تلاش برای انجام این فریضه محسوب می‌شود (۴۱).

یکی از منابع دیگر مطرح در دین یهود، تلمود است که در صفحات آن علاقه‌ی شدید به داشتن اولاد و علی‌الخصوص فرزندان ذکور که از خصوصیات مردم مشرق زمین است، منعکس شده است. از طریق بازی روی کلمات «بانیم» (فرزندان) و «بونیم» (سازندگان یا آبادکنندگان) این نظر اظهار شده است که فرزندان انسان خانه او را آباد می‌کنند. ایشان نه تنها آتیه‌ی خانواده را می‌سازند، بلکه به همان‌گونه آینده‌ی جامعه را نیز بنا می‌نهند (براخوت، ۶۴ الف). «شخصی که اولاد ندارد مرده محسوب می‌شود» (برشیت ربا، ۷۱:۶ یا ۹)، برای این‌که نتوانسته است وظیفه‌ی اصلی را که بر عهده‌ی او نهاده شده بود انجام دهد، و نام او با خود او از میان خواهد رفت. خودداری از تولید فرزند گناهی بزرگ به‌شمار می‌آید، و این موضوع را از شرح گفت‌وگویی که میان اشعای نبی و سلطان حزقی^۱ رخ داد، می‌توان استنباط کرد (۴۲).

^۱ «در آن ایام حزقی بیمار و مشرف به موت شد و اشعیا بن آموص پیامبر به نزد وی آمد و او را گفت: خداوند چنین می‌فرماید: وصیت خود را به اهل خانه‌ات بکن، زیرا که تو می‌میری و زنده نخواهی ماند». مقصود از این جمله که می‌گوید: «زیرا که تو می‌میری و زنده نخواهی ماند» چیست؟ «زیرا که تو می‌میری» در این دنیا، «و زنده نخواهی ماند» در جهان آینده. حزقی از اشعیا پرسید: این مجازات و عقوبت سخت برای چیست؟ اشعیا گفت: برای این است که تو وظیفه‌ی ازدواج و فریضه‌ی تولدمثل را انجام نداده‌ای. حزقی گفت: علت خودداری من از اجرای این حکم آن است که من به یاری روح‌القدس در طالع خود دیده‌ام که فرزندان ناشایست از من به وجود خواهند آمد. اشعیا گفت: تو را با رازهای پنهانی خدای رحمان چه کار است؟ آن‌چه را که به تو دستور داده شده است باید اجرا کنی، و

منابع

- 1- Abbasi M. [Shabih sazi ensan; chalash nofanavari akhlagh va hoghooghe basher]. J Med law 2009; 1(3): 11-27.[in Persian]
- 2- Savulescu J. Sex selection: the case for. In Kuhse H, Singer P. Bioethics, an Anthology, 2nd ed. Australia: Wiley-Blackwell Publishing; 2006, p. 148.
- 3- Cohn CB. The ethics of human reproductive cloning: when world views collide. Account Res Policies Qual Assur 2004; 11(3-4): 183-99.
- 4- Mepham TB. Bioethics: an Introduction for the Bioscience. New York: Oxford University; 2005, p.113.
- 5- Callahn D. Cloning: then and now. In: BranniganMC. Ethical Issues in Human Cloning. New York: Seven Bridges; 2001, p. 123.
- 6- Harris J. Clones, genes and reproductive autonomy, the ethics of human cloning. Ann New York Acad Sci 2000; 913: 209-17.
- 7- Andrews LB. Mom, dad, clone: implications for reproductive privacy. In BranniganMC. Ethical Issues in Human Cloning. New York: Seven Bridges; 2001, p.195.
- 8- Jabaei Ameli Z. [Masalk Al-afham ela Tanghieh Sharyo Al-islam]. Qom: Islamic Maarf Organization; 1992, vol.7, p. 65. [in Arabic]
- 9- Najafi MH. [Javaher Al-kalam fi Sharhe Sharaeh Al-Islam]. Tehran: Dar-al-Kotob Al-Islamic; 1984, vol. 30, p. 383.[in Arabic]
- 10- Jandari A. [Sharh Al-azhar]. Yemen: Maktabeh Ghamzan; No Date, vol.2, p. 319. [in Arabic]
- 11- Haroni Hassani A. [Sharh al-tajrid fi Al-fegh Al-zedieh]. Yemen: Markaz Al-bohos va Toras Al-yemeni: No Date, vol.3, p. 205. [in Arabic]
- 12- Maghrbi N. [Daem al-islam]. Cairo: Dar Al-maaref; 1963, vol.2, p. 212. [in Arabic]
- 13- Mesri AN. [Al-bahr Al-raegh Sharh Kanz Al-daghegh]. Beirut: Dar Al-kotob Al-elmiah; 1997, vol.4, p. 451. [in Arabic]
- 14- Ghaleji M. [Mojam Loght Al-foghaha]. Beirut: DarAl-nafaes; 1987, p.33. [in Arabic]
- 15- Kasani A. [Badeh al-sanaye fi tartib al-shareh].Beirut: Dar Al-kotob Al-elmiah; 1985, vol.2, p.334. [in Arabic]
- 16- Sharbasi A. [Al-din va Tanzim al-Osrah]. Beirut: Al-alaghat Al-amah be Shoon Al-ejtemaei; 1964, p. 176. [in Arabic]
- 17- Ebene Mofleh A. [Al-mobdeh Sharh Al-moghneh]. Riyaz: Dar Alem Al-kotob; 2003, vol.7,

الزام به فرزندآوری در چارچوب ازدواج است. غالب این اوامر مربوط به پس از تولد کودک است تا این انسان نوپا بتواند در این عالم زندگی مناسب و خدایسندانه‌ای داشته باشد. البته در کنار این اوامر واجب، مستحباتی هم پیش از بارداری و تولد و پس از آن نیز در نظر گرفته شده‌اند که می‌تواند در راستای هدف دین مبین اسلام در ایجاد نسلی قدرتمند و با عزت بسیار مؤثر باشند. هم‌چنین، تعالیم دین یهود بر کمیت پیروانش تأکید دارد، به همین جهت غالب دستورات این دین متمرکز بر افزایش نسل است و به همین جهت حتی در قبال روش‌های کمک باروری موضعی متفاوت از مسیحیت و اسلام اتخاذ می‌کند و در غالب موارد رأی به جواز آن‌ها می‌دهد. در حالی که در تعالیم مسیحیت حفظ پیوندهای خانوادگی و نسبی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و فرزندآوری خارج از چارچوب خانواده را نمی‌پذیرد و در عین حال، برای روابط جنسی میان زوجین برای تولد فرزند اهمیت ویژه‌ای قائل است، به گونه‌ای که غالب اندیشمندان مسیحی با به‌کارگیری روش‌های کمک باروری مخالف هستند. البته چون در این دین طلاق به‌واسطه‌ی ناباروری و عقم وجود ندارد، راهکار جایگزین فرزند خواندگی است که در آن فرزندخوانده فرزند طبیعی و نسبی والدین خوانده به حساب می‌آید.

- 33- Prentice T. IVF and other assisted reproductive technologies: thinking ethically and pastorally from a Christian perspective. SRC Discussion Paper. <https://www.melbourneanglican.org.au/ServingCommunity/src/Documents/IVF%20and%20Assisted%20Reproductive%20Technologies%20by%20Dr%20Trisha%20Prentice%20April%202012.pdf> (accessed in 2015).
- 34- Anonymous. What child is this. A report of the commission on theology and church relations of the Lutheran church-Missouri Synod. <http://www.lcms.org/Document.fdoc?src=lcm&id=355> (accessed in 2015).
- 35- Saed M. [Hoghoogh keifari va shabih sazi]. Tehran: Research Center of Medical Ethics and Law; 2008, p. 126. [in Persian]
- 36- Nikiforova B. Theological discourse in bioethics: general and confessional differences. Santalka: Filosofija, Komunikacija 2006; 14(1): 60-76.
- 37- Trujillo A L. Cloning: the disappearance of direct parenthood and denial of the family. www.vatican.va/roman_curia/pontifical_councils/family/documents/rc_pc_family_doc_20030808_cloning-trujillo_en.html (accessed in 2008).
- 38- Hirsh AV. Infertility in Jewish couples, biblical and rabbinic law. Hum Fertile 1998;1(1): 14-19.
- 39- Eisenberg D. The Ethics of cloning. <https://www.jewishvirtuallibrary.org/jsourc/Judaism/clone.html> (accessed in 2015).
- 40- Posner R. [Ahkam 613 Ganeh Torat]. In Suleimani H. Justice of penalty in Judaism, Qom: The Research Center of Religions and Legal Schools; 2005, p. 134. [in Persian].
- 41- Broyde RMJ. Cloning people and Jewish law: preliminary analysis. <http://www.jlaw.com/Articles/cloning.html> (accessed in 2015).
- 42- Cohn A. [Ganjineh from Talmud]. Tehran: Asatir; 2003: 188-9. [in Persian]
- 43- Broyde MJ. In Judaism, playing God is good. http://www.yutorah.org/lectures/lecture.cfm/736059/Rabbi_Michael_Broyde/In_Judaism,_Playing_God_is_Good (accessed in 2015).
- p. 180. [in Arabic].
- 18- Mosavi Safi H. [Tahdid va Tanzim al-nasl fi zoe al-shariah va al-elm al-hadith]. Qom: Noor Vahi; 2008, p. 202. [in Arabic]
- 19- Blank RH. Assisted reproduction and reproductive rights: the case of in vitro fertilization, Politics Life Sci 1997; 16 (2): 280-1.
- 20- Brock DW. Shaping future children: parental rights and societal interest. J Politic Philos 2005; 13(4): 379-83.
- 21- Rao R. Constitutional misconception. Michigan Law Rev 1995; 93 (6):1473-97.
- 22- Champion B. How to Regulate Embryo Research? A Procedural Approach [dissertation]. Montreal (Canada). McGill University; 2003, p. 61.
- 23- Nabavian M. [Hagh va chahar porsesh bonyadin]. Qom: Publication of Imam Khomeini's Institution; 2009, p. 226. [in Persian]
- 24- Movahd M. [Dar havaye Hagh va edalat: Az hoghoogh tabiei ta hoghoogh bashar]. Tehran: Karnameh; 2002, p. 60. [in Persian]
- 25- Tohidi A. Persian civilization and international human rights. http://www.irtt.ir/articles/Human_rights/post_350.php (accessed in 2010) [in Persian]
- 26- Campbell T. Rights: A Critical Introduction. London: Routledge; 2006, p. 159-61.
- 27- Momen M. [Fegh va ahkam pezshki]. Qom: Islami; 2006, p. 122-3. [in Persian]
- 28- Campbell CS. Cloning human beings: Religious perspectives on human cloning. <http://bioethics.georgetown.edu/nbac/pubs/cloning2/c4.pdf> (accessed in 2015).
- 29- Harakas SS. To Clone or Not to Clone. Ethical Issue in Human Cloning. New York: Seven Bridges Press; 2000, p. 89.
- 30- Meilander G. A child of one's own: At what price. The reproduction revolution: A Christian appraisal of sexuality. In Reproductive technologies and the family. Cambridge: Eerdmans Publishing; 2000, p. 81-2.
- 31- Koong H. [Zan dar Masihiat]. Translated by Moghdam T. and Bakhshandeh H. Qom: Publication of Religions and Legal Schools University; 2010, p. 28. [in Persian]
- 32- Anonymous. Religious response to assisted reproductive technology. http://en.wikipedia.org/wiki/Religious_response_to_assisted_reproductive_technology (accessed in 2015).

Reproductive right: the concept, the examples, and its origin from Islamic, ethical and liberal rights

Mohammad Ghaeni¹, Mohadeseh Moeinifar^{*2}

¹Professor, Medical Ethics Committee, Avicenna Research Institute, Tehran, Iran;

²PhD Candidate in Jurisprudence and Islamic Law, Islamic Madhahib University, Tehran, Iran.

Abstract

In the modern world, reproductive right is considered among the basic human rights in countries such as America and Britain. There has been growing interest in the subject and its various aspects including contraception and assisted reproductive technologies, which are giving rise to the ongoing debates. National and international legislators, governments and religions are striving to resolve the controversy among individuals and between individuals and governments and devise the perfect legislation that will cover all aspects of the subject and control all activities in this area.

In the realm of bioethics and law, the issue is introduced as a right not duty, while in Christianity and Judaism it falls under the category of duty. In Islam, on the other hand, childbearing decision-making is left to the couple, which highlights the teachings of Islam regarding reproduction. In this paper, we attempted to offer a comparative study of four different points of view regarding the issue of reproductive rights.

Keywords: reproductive right, religious precept, Islam, Christianity, Judaism

*Email: moeinifar@isuw.ac.ir